

آثار روانی شوخی و بدله گویی

با اینکه شوخی و بدله گویی بصورتی مرموز است، هنگامیکه از حدود دقیق خود خارج شود خطرات و زیانهای بسیاری آورد که گاهی تا سرحد دشمنی و قتل نفس پیش می رود

بررسی جنبه های مفید و مثبت یا مضر و مسمی شوخی و بدله گویی گرچه بظاهر سهل و موضوعی بی اهمیت به نظر می آید، اما از آنجا که عملاً در زندگی فردی و اجتماعی حتی در مسیر تکامل روحی و معنوی فرد منشاء اثر می باشد شاید از لحاظ فردی و اجتماعی بسکی از مهمترین مسائل مورد ابتلاء روزانه باشد.

شوخی، بدله گویی، لطیفه گویی، نکاهی نویسی، و خوشمزگی و امثال اینها گرچه مترادف بوده و از لحاظ تفریح و تفنن ظاهرآ همه در یک درجه هستند. اما آثار و نتایج و سلسله مراتب موضوعات مربوط به آنها از هم جدا و در

نتیجه، عواقب و نتایج هر یک از آنها از نظر روحی و عقلی و جنبه های معنوی و اخلاقی، باهم مغایر و متضادند. شوخی بدانسان که در بین عوام رایج است یک تفریح همگانی نبوده و از لحاظ سود و زیان شبیه مسابقه است که «بازنده» و «بازنده» ای دارد که از نظر برنده نتایج نفسی موضوع شوخی و از نظر بازنده اثرات سوء، احساس حقارت بیشتر قابل توجه است. یکی از طرفین سرانجام متغلب و شرمنده و یا مورد تحقیر قرار گرفته و با از لحاظ شوخی شخص مورد اعانت واقع می شود.

بنابراین موضوع شوخی بصورت اتفاق می افتد که

بمعنی هر دو طرف تمام شوخی ها همانطور که در پیش عوام رایج است، یک وسیله تفریح و انبساط خاطر بی ضرر، بشمار می رود البته خنده بسیاری از عوامل روانی و روحی مؤثری در تغییر عقل است (یعنی خنده شدید و یا خنده طولانی و مکرر موجب ضعف قوه عاقله میگردد) و بخاطر همین خاصیت است که خندیدن و خنداندن بمنظور رفع خستگی و کاهش فشار عقول است. فطرتاً مورد توجه بشر قرار گرفته است (زیرا در انحصار قدرت و فعالیت عقل در زمینه روحی قرار ندارد و روحی حاصل از فیوید عقلی کاست می شود) زیرا روان است که در جریان شوخیا غالباً در نتیجه همین حالات روحی و پیدایش مناقصات عقلی در جریان و رایج نامی آن چنان دیده عقل ناپایمان میگردد که شخص از مراجعت حرم و حدود اخلاقی و ادب بازمانده و بی اختیار در مقام نشی سرزمین شخصیت طرف مقابل بر می آید. و چه بسا شوخیهایی که صورت و بخش عیب و نکند خاطر و دلگیری و از دست دادن دوستان دیرین و بالرش با موجب نبرگی و افسوس و حسرت و سنگدل بر دیک باشد.

و در نتیجه همین تحقیر عقلی است که در جریان حالات خنده آور شدید و طولانی تسبیح، موضوع عاده یافته و چه بسا که منجر به حیوان ناگوار یا ضرب و جرح و قتل نیز گردد (نظراً چنانچه در صحف حدیث آمده که در کمال وضوح مشاهده شد که هر چند گاهی قتل های غیر عمدی در بین عوام بخصوص طبقات بسواد در اثر شوخی های دامنه دار این مورد مابین دوستان و خویشان و اقربا بطور مکرر اتفاق می افتد) از نظر عقلا و دانشمندان نیز شوخی بخصوص با آن شدت و حدت مطرود و مردود است و حتی علاوه بر اثرات ظاهری

گاهی عواقب وخیم معنوی آن از لحاظ اجتماعی نیز نتایج آن قابل توجه است. بزرگمهر گویند: مزاح با خرد و بزرگ نشاند، که بزرگ را بغصب آرد و خرد را گستاخ کند و یا اگر بگوئیم در این جمله کوتاه اسرار بزرگی نهفته است، مبالغه نگنمایم زیرا بسیاری از مسائل مهم در روابط اجتماعی در زیر سر همین دو موضوع نهفته است برای ما که تاریخچه زندگی انبیاء و سایر پیشوایان دینی (علیهم السلام) آینه تمام نمای آداب و اصول حقیقی زندگی است نظری به آداب و اصول زندگی آن بزرگواران نشان میدهد که در تاریخچه حیات آنها هرگز مسئله شوخی بصورتی که در بین عوام رایج است مطرح نبوده و برای یکبار نیز چنین مزاحهای زنده حتی در مورد یکی از بزرگان دین در زندگی آنان ثبت نگردیده است.

بعد از تعیین حدود و حریم شوخی میتوان مراتب مختلف دیگری از این امر را بر تریب در نظر گرفت که از آن جنبه «بدله گویی» و «لطیفه گویی» و «تمثیل نکاهی» و «نکاهی نویسی» است که اختلاف اینها باید یکدیگر بسیار کم است ولی با مسئله شوخی اختلافشان زیاد است بدین معنی که در موارد اخیر بهر دو مراحل استثنائی موضوع لطیفه و نکاهی با رفتار و گفتار و وضع زندگی فرد بخصوص مطابقت نمیکند تا نتایج آن موجب تحقیر شخص معینی گردد بلکه هدف از آنها نقل صحنه های اتفاقات واقعی یا تصویر صحنه های تخیلی بمنظور ایجاد تنوع در گفتار و تفریح و انبساط خاطر و ایجاد آرامش و راحتی فکری در مقابل صحنه های جدی ماجراهای زندگی است.

در حیوانات نیز به جمیع اقسام در آن واحد در ذهن است که حالت بهت و حیرت و روحاً بر شخص خارج شده و جمیع اقسام و مایه‌های انسانی غیر منتظر (بدون اینکه ساختن ذهنی در کار بود و آماده‌گی فکری در میان باشد) در یکجا از خود دور فکری و احاطه عقلی خارج و عدم احاطه بر موضوع از لحاظ اثرات معنوی خود اعتبار ضعف و نقص عقلی، با لائق در حکم نارسائی عقل نسبت به موضوع است. ضعف و نارسائی عقلی به بی‌تفاوت خود وسیله‌ای از مسائل آراهش روحی در زیر لیر خطرات و مشکلات و مسوئله‌های جدی زندگی است. در این موقع خواری و اثرات و نتایج نهایی فرق میکند که مرکز تعقل را با یک داری محسوس و مسکرو می‌کند و کار استوار و ایجاد تجدید وضع و سستی در این مرکز بوجود آوردیم و از قدرت و فعالیت آن بکاهیم یا مرکز تعقل همچنان حسی و فعال باشد، اما از لحاظ روحی و معنوی موضوعی: معنا و مفهوم از حدود موارین عقلی، چنانچه خارج کرده که اصابت در باره آن عقلاً منظور نباشد.

ادامه دارد

بدله گونی و فکاهی نویسی در صورتیکه از حدود ادب و اخلاق تجاوز نکند و ارزشهای اخلاقی را ضایع نسازد و حقایق را مورد استهزاء و تحقیر قرار ندهد، به منظور دلجوئی از خاطرهای خسته و دل‌های شکسته، سبب و بلاصانع است مگر اینکه با وجود این قصد مسلم گردد که حواس ناخود و دانسته بر حقایق و معنویات صدمه‌های و لطمه‌ای وارد گردد.

سایر این لازم است: در بدله گونی و فکاهی نویسی شرایط زمان و مکان قبل از هر چیز مورد توجه قرار گیرد و عملاً در صحنه جدی زندگی بعثت درک فشار مسئولیتها و حتی فشار عقل مسلم و محدودیت روح انسانی در قالب معقولات و محسوسات هر عاملی که به تجدید عقل و سستی حصار معقولات کمک کرده و موجب اسباب خاطر گردد، بر او اعتماد خوش آیند است (مورد محسوس و مسکرو نیز علاوه بر سایر عقل بعثت تضعیف عقلی و تجدید مرکز تعقل که بطور غیر مستقیم محرکه اسباب خاطر آنچنانی میگردد عملایش را در هر چیز دیگری مورد توجه واقع گردیده است)

جدید عقلی در برابر موضوع صحت و خنده آور

یک ضایعه روحانی

دو روزه شنبه ۲۶ تیرماه مطابق اول جمادی الثانیه حجه الاسلام والمسلمین

آقای حاج شیخ مشکوری با روح حیات گفتند.

فقید سعید از علمای سوز تهران بود و یک عمر در منطقه قهقک به نشر و تبلیغ اسلام اشتغال داشت، از مردان رشید و شجاع و از مبارزه کنندگان با کفار بود و محبوبیت فوق العاده‌ای در میان مسلمانان این منطقه داشت و بهین دلیل مرکز ضایعه بزرگی بود. ما این ضایعه را بجهان روحانیت و به بارماندگان آن قبل سعید و مردم با ایمان شعر انانیت تسلیم می‌گوشیم.